**تأملی درحدیث غدیر**

نویسنده : قربانعلی علیزاد

غدیر پیوند ناگسستنی بامسئله ولایت دارد.این ویژگی سبب شده است که روز اعلام رسمی ولایت امیرمومنان (صلوات اله علیه) ازسوی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) راعیدغدیرنام گذاری نموده اند. حادثه ای که در 18 ذی حجه درصحرای غدیراتفاق افتاد حادثه ی بس عظیمی بود که تاریخ علی رغم بدعملی های عده ای نتوانسته است آن رامخفی نمیاید. درک صحیح وواقع بینانه از این واقعه مستلزم وقوف به سخنان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در روز مذکور است، ازینرو فرازهای از این سخنرانی دراین نوشتار بررسی گردیده است.

**راز عظمت روز غدیر**روزغدیرخم به فرمایش نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) افضل اعیاد است. ایشان فرمودند: «یوم غدیرخم افضل اعیاد امتی، وهوالیوم الذی امرنی الله تعالی بنصب اخی علی بن ابي طالب علما لامتی یهتدون به من بعدی» (1) . «روزغدیر خم برترین عید امت من است. وآن، روزی است که خداوند تبارک و تعالی مرا فرمان داد تا برادرم علی بن ابی طا لب را به عنوان جانشین خود معرفی کنم که امتم بعد از من به وسیله ی اوهدایت یابند (2) ». ونیز شیخ صدوق رحمه الله از حسن بن راشد روایت کرده است که گفت: به امام صادق (صلوات اله علیه) عرض کردم: «جعلت فداک، للمسلمین عید غیر العیدین؟ قال (صلوات اله علیه) نعم یا حسن، اعظمها و اشرفها، قال: قلت له: و ای یوم هو؟ قال (صلوات اله علیه) یوم نصب امیرالمومنین (صلوات اله علیه) علما للناس (3) ...» فدایت شوم آیا برای مسلمانان غیرازعید فطر وعید قربان عید دیگری هست؟ فرمودند: آری، عیدی هست که از آن دو عید بالا تر وارزشمندتر است،عرض کردم: آن چه روزی است ؟ امام (علیه السلام) فرمود: روزی که امیرالمومنین (صلوات اله علیه) به خلافت منصوب شد و راهنمای الهی برای مردم گردید. وهمچنین فرات بن احنف از امام صادق (صلوات اله علیه) سوال کرد: آیا برای مسلمانان عیدی برتر از عید فطر وعید قربان وجمعه و روزعرفه هست؟ امام (صلوات اله علیه) فرمود: «نعم افضلها واعظمها و اشرفها عندالله منزلة، و هو الذی اکمل الله فیه الدین و انزل علی نبیه محمد (صلی الله علیه وآله) : الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا و انه الیوم الذی نصب فیه رسول الله علیا للناس علما (4) » «آری عیدی که منزلت آن نزد خداوند بر تر وبالا تر و ارزشمندترازهمه آن است، وآن روزی است که خداوند در آن، دین را کامل فرمود و بر پیامبرش حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) این آیه شریفه را نازل کرد: امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد. و آن روزی است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) علی (صلوات اله علیه) را به عنوان نشانه هدایت برای مردم نصب کرد». درهر سه روایت امیر المومنین علی (صلوات اله علیه) به (عَلَم) توصیف شده است، به این معنی که امیرحق (صلوات اله علیه) عَلَم و نشانه و شاخص برای مردم است، مردم خود را به این نشانه مطابقت دهند، اگرتطابق داشت، شیعه و امت پیامبر (صلی الله علیه وآله) است، و به راه راست هدایت و به مطلوب نهائی خواهد رسید، و اگر تطابق نداشت و دنبال این نشانه نرفت، از امت پیامر (صلی الله علیه وآله) محسوب نمی گردد و سرانجام به هدف نهائی نخواهد رسید. آنچه درروزغدیرسال دهم هجری اتفاق افتاد، آن قدر مهم وعظیم بود، که آن روز را برای همیشه عیداکبر اسلام قرار داد، و سایر رازش دراین باشد که در آن روزنصب علم هدایت شود، که نایب اصلی خلقت هدایت به خالق است، و همین مطلب و نکته ما را واداشت که به تحلیل هرچند کوتاه خطبه غدیر بپردازم.

**آغازسفر**پیامبراکرم (صلی الله علیه وآله) درسال دهم هجری، به قصدانجام دادن اعمال حج، ازمدینه به مکه سفر کرد؛ سفر پیامبر، پیشتربه اطلاع مسلمانان و نواحی مختلف رسیده بود. از این رو، جماعت ها وگروه های بسیاری برای اینکه اعمال حج را درحضورپیامبر (صلی الله علیه وآله) انجام دهند، و آداب و مناسک حج را ازخود پیامربیاموزند، به مکه آمدند، و همراه پیامبر (صلی الله علیه وآله) حج گزاردند.
پس ازپایان اعمال حج وسخنرانی های چندی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) درمکه ایراد کرد، کاروانها عازم بازگشت به مدینه شدند. اکنون نیزجماعت های بسیاری با پیامبربودند، همه آمدند. نزدیک ظهر دوشنبه هجدهم ذی حجه، همینکه به صحرای کوهستانی جحفه«منطقۀ غدیرخم» رسیدند، دراین محل، جبریل- فرشتۀ وحی- برپیامبرنازل شد (6)، واین آیه را براو فروخواند: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک، و ان لم تفعل فما بلغت رسالته، والله یعصمک من الناس (7)» ای فرستادۀ خدا! دستوری که خدابرای توفرستاده است به مردم برسان. اگرنه، تبلیغ رسالت نکرده ای! خداوند خود، تورا ازشرمردم نگاه خواهد داشت. حضرت مسیرحرکت خود را به طرف راست راه و به سمت غدیر تغییر دادند و فرمودند: (ایها الناس، اجیبوا داعی الله، انا رسول الله (8) ) ای مردم، دعوت کنندۀ خدا را اجابت کنید که من پیام آور خدایم.
این بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس ازنزول آیة بالا، درصحرای غدیر درنگ کرد. و پس از ادای نمازظهر دستور داد منبری ازجهاز (پالان) شترساختند؛ آنگاه فرمودتا همه آن جمعیت انبوه گرد آمدند. مورخان نوشته اند که در آنروز صد و بیست هزار تن در پای آن منبرحضور داشتند. (9)

**پیامبر و امیرالمومنین (علیهماالسلام) بر فراز منبر**مردم ناظر بودند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) ازمنبرغدیر بالا رفتند، و بر فراز آن منبرایستادند؛ سپس اميرالمومنین (صلوات اله علیه) را فرا خواندند، تا بر فراز منبر بر سمت راستش بایستد. قبل از شروع خطبه، امیر المومنین (صلوات اله علیه) برفراز منبر یک پله پایین تر در طرف راست حضرت ایستادند و دست راست پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر شانه آن حضرت بود، سپس حضرت پیامبر نگاهی به راست و چپ جمعیت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند. زنان در قسمتی از مجلس نشستند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) را به خوبی می دیدند. پس از آماده شدن مردم، پیامر اکرم (صلی الله علیه وآله) سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه ی رسمی خود را برای جهانيان آغاز کردند. (10)

سخنرانی تاریخی پیامبرعزیزاسلام درروز غدیرخم، در یازده بخش قابل ترسیم است .

1. **بنده خدا و تسلیم اویم**

حضرت در اولین بخش سخن، به حمد و ثنای الهی پرداختند و صفات، قدرت و رحمت حق تعالی را ذکر نمودند، بعد از آن به بندگی خود در مقابل ذات الهی شهادت دادند و فرمودند: به او، ملائکه اش، کتابهایش و پیامبرانش ایمان می آورم، دستور او را گوش می دهم و اطاعت می نمایم و به آنچه او را راضی می کند مبادرت می ورزم ودر مقابل مقدرات او تسلیم می شوم (11)

1. **ابلاغ رسالت الهی**

در بخش دوم، سخن را متوجه مطلب اصلی نمودند و تصریح کردند که باید فرمان مهمی درباره علی بن ابیطالب ابلاغ کنم، و اگر این پیام را نرسانم رسالت الهی را نرسانده ام وترس از عذاب او دارم. این بخش ازسخنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) به سه مطلب مهم اشاره دارد.
اول: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ابلاغ ولایت رامستند به دستورخداوندمی سازد، ومی فرماید: خداوند به من چنین وحی کرده است :
«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِن رَبِّكَ وَإِن لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ (12)»
دوم: ولایت امیرالمومنین (صلوات اله علیه) رابه ولایت هارون ازموسی تشبیه می سازد، ومی فرماید: جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و مرا مأمور کرد که در این اجتماع بپا خیزم و بر هر سفید وسیاهی اعلام کنم که «أَنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبی طالِبٍ أَخی وَ وَصِیّی وَ خَلیفَتی وَ الْإِمامُ مِنْ بَعْدی، الَّذی مَحَلُّهُ مِنّی مَحَلُّ هارُونَ مِنْ مُوسى إِلاَّ أَنَّهُ لا نَبِىَّ بَعْدی وَ هُوَ وَلِیُّکُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (13) ». علی بن ابیطالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است، نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است.

سوم: ولایت امیرحق (صلوات اله علیه) راباآیه شریفه ی55 سوره مائده تتمیم می سازد، و می فرماید: خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است: «إنَّما وَلیُّکُمُ اللهُ وَ رَسولُهُ وَ الَّذینَ امَنُوا الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلوةَ وَ یُؤتُونَ الزَّکوةَ وَ هُم راکِعونَ» (14) « صاحب اختیارشما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپا مي دارند و در حال رکوع زکات می دهند» و علی بن ابیطالب است كه نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عزوجل را قصد می کند. خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده ابلاغ نمایم .

1. **دوازده امام (علیهم السلام) تا آخر دنیا**

در سومین بخش، امامت 12 امام بعد از خود را تا آخرین روز دنیا اعلام فرمودند تا همه طمع ها یکباره قطع شوند برای درک عمیق از اهمیت مسئله فرمودند: ای مردم، این آخرین باری است که در چنین اجتماعی به پا می ایستم. پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید. از نکاتی مهم دراین فراز از سخنرانی حضرت، می توان به امورذیل اشاره کرد:

اول: عمومیت ولایت آنان بر همه ی انسانها ودر طول زمانها و در همه مکانها و نفوذ کلماتشان در جمیع امور بود، که دراین صورت اعلام فرمودند: خداوند عزوجل صاحب اختیار شما و معبود شما است، بعد از خدواند و رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده، و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است.

دوم: امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.

سوم: نیابت ائمه علیهم السلام از خدا و رسولش در حلال و حرام و جمیع امور دنیا و آخرت از نکات بسیار مهم خطبه بود که آن را با کلماتی دقیق بیان فرمودند: «حلال نیست مگر آنکه خدا و رسولش و آنان (امامان) حلال کرده باشند، و حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان) بر شما حرام کرده باشند. خداوند عزوجل حلال و حرام را به من شناسانده است، و آنچه پروردگارم از حلال و حرامش به من آموخته به او سپرده ام».

چهارم: پس از بیان این همه عظمت، مردم را از مخالفت بر حذر داشتند و فرمودند: ای مردم، او از طرف خداوند امام است و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی بخشد. ای مردم، به خدا قسم پیامبران و رسولان پیشین به من بشارت داده اند، و به خدا قسم من خاتم پیامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهل آسمانها و زمین ها هستم. هر کس در این مطالب شک کند، مانند کفر جاهلیت کافر شده است، و هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند در همه آنچه برمن نازل شده شک کرده است، و هر کس در یکی از امامان شک کند بر همه امامان شک کرده است، و شک کننده در باره ما در آتش است. بدانید که جبریل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد، لعنت و غضب من بر او باد (15) » در اینجا حضرت می خواستند حساس ترین قسمت سخنرانی راكه برنامه ای عملی نیز همراه داشت بیان کنند. لذا برای آمادگی مردم فرمودند به خدا قسم، باطن قرآن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی کند مگر این شخصی که من دست او را می گیرم و او را به سوی خود بالا می برم و بازوی او را می گیرم و با دو دستم او را بلند می کنم و به شما می فهمانم که هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صاحب اختیار اوست، و او (علی بن ابیطالب) برادر و جانشین من است و ولایت او از جانب خداوند عزوجل است که بر من نازل کرده است. سپس تصویر زیبایی از ارتباط دو رکن اعظم اسلام ارائه نمودند و فرمودند: ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغرند و قرآن ثقل اکبر است. هر یک از این دو از دیگری خبر می هد و با آن موافق است. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او بر زمین هستند. دراین مرحله با قاطعیتی تمام هر گونه تعرض به مقام صاحب غدیر را حرام شمردند و فرمودند. بدانید امیر المومنین جز این برادرم نیست، بدانید که «امیر المومنین» بودن بعد از من برای احدی جز او حلال نیست.

1. **تصریح رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به خلافت و امامت امیرالمومنین (صلوات اله علیه)**

در بخش چهارم خطبه، پیامبر پس از مقدمه چینی هایی قبل و ذکر مقام خلافت و ولایت امیر المومنین (صلوات اله علیه)، برای آنکه تا آخر روزگار راه هر گونه شک و شبه بسته باشد و در این راه تلاشی در نطفه خنثی شود، آنچه به طور لسانی فرموده بودند به صورت عملی انجام دادند. ابتدا به امیر المومنین (صلوات اله علیه) که بر فراز منیر کنارشان ایستاده بودند، فرمودند: «نزدیکتر بیا». آن حضرت نزدیکتر آمدند و پیامبر (صلی الله علیه وآله) از پشت سر، دو بازوی او را گرفتند. دراین هنگام امیر المومنین (صلوات اله علیه) دست خود را باز کردند تا دستهاي هر دو به سوي آسمان قرار گرفت. در این حال پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «مَن کنت مولاه فهذا علی مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله (16) » هرکس من نسبت به او از خودش صاحب اختیار تر بوده ام این علی هم نسبت به او صاحب اختیارتر است. خدایا دوست بدار هرکسی علی را دوست بدارد، و دشمن بدار، هر کس او را دشمن بدارد، و یاری کن هر کس او را یاری کند، و خوار کن هر کس اوراخوارکند. توجه داشته باشیم که «مولا» و «وال» هردو از یک ریشه اند (و ل ی) چطورمی شود در یک کلام بهم پیوسته، یکی به معنی صاحب اختیارمی آید و دیگری به معنی دوستی؟ درجمله اول که (من کنت مولاه فهذاعلی مولاه) است، نمی تواند (مولاه) به معنی دوستی باشد، چون قرینه حالیه دلالت می کندبراینکه (مولا) دراین جمله به معنی صاحب اختیاراست، یعنی امکان ندارد که حضرت پیامبر (صلی الله علیه وآله) در آن صحرای داغ، انبوه جمعیت رامتوقف کند و آن همه زمینه سازی که قبلا کرده بود، بیاید حضرت علی (صلوات اله علیه) را بعنوان دوست خود معرفی کند، عقل هم این را نمی پذیرد. اما در جمله دوم (وال من والاه وعاد من عاداه) اینجا (وال) به معنی دوستی است، چون قرینه لفظیه که (عاد من عاداه) باشد براین مطلب دلالت می کند.دراین قسمت ازخطبه، نزول وحی درباره کمال دين با ولایت امیرالمومنین (صلوات اله علیه) را اعلام نمودند و فرمودند: پروردگارا، توهنگام روشن شدن این مطلب ومنصوب نمودن علی دراین روز، این آیه را درباره او نازل کردی:
«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلاَمَ دِينًا (17) »
«امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما راضی شدم»
«وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلاَمِ دِيناً فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (18)»
«هر کس دینی غیر اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نمی شود ودر آخرت از زیان کاران خواهد بود»
پروردگارا تو شاهدی که من ابلاغ نمودم .

1. **کمال دین**

در بخش پنجم، حضرت صریحآً فرمودند: «ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود. پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خدای عزوجل، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و درآتش دائمی خواهند بود (19)» اگرهمه به این سفارشهای نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) و موارد مکرردیگری (که رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، حضرت علی (صلوات اله علیه) را پیشوا معرفی فرموده بود) عمل کرده بودند، اسلام جهانگیر می شد، و دین خدا بشریت را به راه می آورد، و عدالت و دادگری، آفاق تا آفاق گیتی را می گرفت.

1. **هشدار به متمردین**

مرحله ششم از سخنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) جنبه غضب الهی را نمودار کرد. حضرت با تلاوت آیات عذاب و لعن از قرآن کریم فرمودند: (منظور از این آیات عده ای از اصحاب من هستند که مأمور به چشم پوشی از آنها هستم، ولی بدانند که خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصرین حجت قرار داده است و چشم پوشی از آنان در دنیا مانع از عذاب آخرت نیست.)
در این مرحله به خلقت نورانی خود و اهل بیت اشاره کردند و فرمودند: ای مردم، نوراز جانب خداوند عزوجل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابیطالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم، که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می گیرد. سپس به امامان گمراهی که مردم را به جهنم می کشانند اشاره کرده فرمودند: ای مردم، بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند. ای مردم خداوند و من از آنان بیزار هستیم. ای مردم، آنان و یارانشان و تابعین شان و پیروانشان در پایین ترین درجه آتش اند و چه بد است جایگاه متکبران! سپس اشاره ای رمزی به ماجرای سقیفه نمودند که نطفه آن توسط منافقان در حجة الوداع با امضای صحیفه ملعونه (20) در مکه منعقد شده بود، و فرمودند: «بدانید که آنان اصحاب صحیفه هستند، پس هر یک از شما در صحیفه خود نظر کنید» وقتی پیامبر (صلی الله علیه وآله) نام «اصحاب صحیفه» را آورد اکثر مردم منظور حضرت را نفهمیدند و برایشان سؤال انگیز شد، و فقط مجریان سقیفه و عده کمی که توسط آن حضرت از ماجرا مطلع بودند، مقصود حضرت را فهمیدند. احساس رساندن آن پیام بزرگ توسط بزرگ پیامبران، سنگینی آنرا از دوش حضرت برداشته بود. این بود که کلمات حاکی از این رضایت قلبی بر لسان مبارک آن حضرت جاری شد و فرمودند: من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم، تا حجت باشد بر حاضر و غائب، و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده اند یا نیا مده اند، پس حاضران به غایبان، و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند. در اینجا با صراحت بیشتری درباره سقیفه فرمودند «به زودی امامت را بعد از من به عنوان پاداشاهی و با ظلم و زور می گیرند. خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند.»

1. **ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام)**

در بخش هفتم، حضرت تکیه سخن را بر اثرات ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) قرار دادند و سوره حمد را – که همه روزه تمام مسلمانان آن را می خوانند – قرائت کرد ند و فرمودند: «این سوره درباره من نازل شده، و به خدا قسم درباره ایشان (امامان) نازل شده است. بطور عموم شامل آنهاست و بطور خاص درباره آنان است» و بیان کرده اند که اصحاب صراط مستقیم در سوره حمد شیعیان اهلبيت (علیهم السلام) هستند. سپس آیاتی از قرآن درباره اهل بهشت تلاوت فرمودند و آنها را به شیعیان و پیروان آل محمد تفسیر فرمودند. آیاتی هم درباره اهل جنهم تلاوت کردند که آنها را به دشمان آل محمد معنی کردند. از جمله فرمودند: بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامتی و در حالی امن وارد بهشت می شوند، و ملائکه باسلام به ملاقات آنان می آیند و می گویند: «السلام علیکم، طبتم، فادخلوها خالدین (21) » «سلام بر شما، پاکیزه شدید، پس برای همیشه داخل بهشت شوید.»

1. **بشارت به ظهورمهدی (عجل الله فرجه)**

دربخش هشتم مطالب اساسی درباره حضرت بقیة الله اعظم حجت ابن الحسن المهدی (ارواهنا فداه) فرمودند و مفصلاً اوصاف و شئون خاصی حضرت را مطرح کردند و آینده ای پر از عدل و داد (22) به دست امام زمان (عج) را به جهانیان مژده دادند.
و فرمودند: بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرندۀ از ظالمین، اوست فاتحی قلعه ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله ای از اهل شرك و هدایت کننده آنان. بدانید که اوست گیرنده انتقام هر خونی از اولیاء خدا. اوست یاری دهنده دین خدا. اوست که بعنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست. بدانید او کسی است که غالبی بر او نیست. ولی خدا بر زمین و حکم کننده او بین خلقش وامین او بر نهان وآشکارش است.

1. **پیمان وفاداری با غدیر**

در بخش نهم مسئله بیعت را مطرح کردند و ارزش و پشتوانه آنرا چنین بیان فرمودند: بدانید که من بعد از پایان خطابه ام شما را به دست دادن با من و بعنوان بیعت با او واقرار به او، و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می خوانم. بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است، و من از جانب خداوند برای او از شما بیعت می گیرم. دراین باره به قرآن استناد کردند و فرمودند: خداوند می فرماید:
إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَى‏ نَفْسِهِ وَمَن أَوْفَى‏ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً (23) کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند، دست خداوند بر روی دست آنان است. پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن بر ضررخود اوست، وهر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به اواجرعظیمی عنایت خواهد کرد.

1. **احکام الهی جاویدانه است**

در دهمین بخش، حضرت درباره احکام الهی سخن گفتند، که مقصود بیان چند پایه مهم عقیدتی بود. یکی پیش بینی آینده ای مسلمین درمشکلات که فرمودند: اگرزمانی طویلی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید، علی صاحب اختیار شما است و برای شما بیان می کند. خداوند عزوجل او را بعد از من به عنوان امین برخلقش منصوب نموده است. سپس مسئله ای ثابت بودن احکام الهی تا ابد را باعباراتی بلند بیان فرموده اند: ای مردم، هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم وهر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، هرگز ازآنها برنگشته ام و تغییر نداده ام. این مطلب را به یادداشته باشید وآن راحفظ کنید و به یکدیگر سفارش کنید، و آن را تبدیل نکنید و تغییر ندهید. نکته دیگر مسائل جدیدي بود که درآینده برای مسلمانان پیش می آمد که دراین باره فرمودند: مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم براینکه قبول کنید آنچه ازطرف خداوندعزوجل درباره امیر المومنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند، (وآن موضوع) امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود، و آخرایشان مهدی است تا روزی که خدایی مدبر قضا و قدر را ملاقات کند. دیگرآنکه بالاترین امر به معروف و نهی از منکر را تبلیغ پیام غدیراعلام کردند و فرمودند: بدانید بالاترین امر به معروف آن است که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید واو را از طرف من بقبولش امر و از مخالفتش نهی نمایید، چرا که این دستوری از جانب خداوند عزوجل و از نزد من است، وهیچ امر به معروف و نهی از منکری نمی شود مگر با امام معصوم.

1. **با دوازده امام (علیهم السلام) بیعت کنید!**

در آخرین مرحله ای خطابه، بیعت لسانی انجام شد. حضرت، خطاب به حاضرین فرمودند: پس همگی چنین بگویید: «ما شنیدیم واطاعت می کنیم وراضی هستیم وسر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پرودگارما و خودت برما رساندی، درباره امر امامت امام ما علی امیر المومنین و امامانی که از صلب او به دنیا می آیند. براین مطلب با قلبهای مان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم. بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم (و روز قیامت) با آن محشور می شویم. تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شک نمی کنیم و انکار نمی نمایم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول برنمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم. تو ما را به موعظه ای الهی نصیحت نمودی درباره علی امیر المومنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنانی که خداوند بعد از آن دومنصوب نموده است.» کلمات نهایی پیامبر دعا برای اقرار کنندگان به سخنانش و نفرین بر منکرین او و امر آن حضرت بود، و با حمد خداوند خطابه حضرت به پایان رسيد.

**تبریک و تهنیت غدیر و ولایت**پس ازاتمام خطبه، صدای مردم بلندشد که: «آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستمان اطاعت می کنیم». بعد بسوی پیامبر و امیرالمومنین ازدحام کردند و برای بیعت سبقت می گرفتند و با ایشان دست بیعت می دادند. این ابرازاحساسات و فریادهای شفعی که از جمعیت برمی خواست، شکوه و ابهت بی مانندی به آن اجتماع بزرگ می بخشید. دراین حال پیامبر (صلی الله علیه وآله) می فرمود: «الحمدلله الذی فضلنا علی جمیع العالممین». و نیز پیامبر (صلی الله علیه وآله) به منادی خود دستور دادند تا بین مردم گردش کند و این خلاصه غدیررا تکرارکند: «مَن کنت مولاه فهذا علی مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره و اخذل من خذله» (24)، تاغدیر بعنوان تابلوی ابدی ولایت بردلها نقش ببندد. همه آمدند با پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امیرالمومنین علی (صلوات اله علیه) دست بیعت دادند و به امیرالمومنین تبریک و تهنیت گفتند. ولی ابوبکر وعمر با وجود آنکه بیعت کرده بودند، به پیامبرعزیزاسلام می گفتند: آیا این امرازطرف خداوند است یا از طرف رسولش (یعنی: ازجانب خود می گویی)؟ حضرت فرمودند: ازطرف خدا و رسولش است، آیا چنین مسئله بزرگی بدون امرخداوند می شود؟ و نیزفرمود: «آری حق است ازطرف خدا و رسولش که علی امیر المومنین است (25)»

**نتیجه:**از سخنان زیبای پیامبرخدا (صلی الله علیه وآله) درروزغدیرخم، به این نتیجه می رسیم که هیچ جای شک و شبه در رابطه با خلافت و جانشینی پیامر (صلی الله علیه وآله) بعد از خودش باقی نمانده است، و امیرمومنان حضرت علی (صلوات اله علیه) خلیفه و جانشین برحق پیامبر (صلی الله علیه وآله)، ولی امر و صاحب اختیار، امام و پیشوا و رهبر امت است. و بعد از او یازده امام معصوم (علیهم السلام) که ازنسل و فرزندان اوست، امامت و رهبری جامعه اسلامی را به عهده خواهد داشت و برماست که از پیامبر و امامان مان پیروی کنیم، و حادثه غدیر را به مردم بشناسانیم، و پیام آنرا به فردا ها برسانیم و ازسنگرغدیرسقیفه را نشانه رویم، تا پرچم ولایت را بر بلندای تاریخ برفراز داریم و لبخند رضایت برلبان مبارک صاحب غدیر بنشانیم .

**پي‌نوشت ها:**

1 . بحارالانوار،ج37،ص109.
2 . هدایت عبارتست ازدلالت ونشان دادن هدف،بوسیله نشان دادن راه، واین خود یک نحوایصال ورساندن بمطلوب وهدف است.وسنت خدای متعال براین جریان یافته که اموررا ازمجرای اسباب به جریان اندازد،ودرمسئله هدایت هم وسیله ای فراهم می کند، تامطلوب وهدف برای هرکه اوبخواهد روشن گشته،و بنده اش درمسیرزندگی به هدف نهائی برسد. این وسیله،امیر به حق، حضرت علی (صلوات اله علیه) ویازده فرزنداوست که بنده گان خدا رادرمسیرزندگی به هدف اصلی ونهائی می رساند. (ترجمه تفسیرالمیزان: ج1،ص56)
3 . ثواب الاعمال،ص170و171
4 . بحارانوار،ج37،ص170.
5 . اصول کافی: ج 1،ص 320و321
6. الغدیر: ج1ص9،10. بحارالانوار: ج،2ص 360،تا390،
7 . مرآةالعقول: ج3،ص216
8 . الغدیر: ج1،ص12
9 . الغدیر: ج1،ص10و11.فروغ ابدیت: ص937
10 .الغدیر: ج1،ص12.بحارالانوار: ج21،ص387،ج37،ص209.اثبات الهداة: ج2،ص282
واحقاق الحق: ج21ص،53 و57.
11 . اولین بخش خطبه غدیر
12 . سوره مائده آیه 67
13. خطبه غدیر
14 . سوره مائده آیه 55
15 . خطبه غدیر. و مرآةالعقول ج3 ،ص 218
16 . خطبه غدیر. و مرآةالعقول: ج3،ص219
17 . سوره مائده آیه 3
18 . سوره آل عمران آیه 853
19 . خطبه غدیر
20 . مرادازصحیفه ملعونه: اون طوماراست که منافقین پس ازانجام حج وشنیدن سخنان رسولخدا (صلی الله علیه وآله) درغدیرخم نوشتندوپیمان بستندکه اگرپیامبرخدا (صلی الله علیه وآله) ازدنیارفت هرگزنگذارندخلافت به علی بن ابیطالب (صلوات اله علیه) منتقل شود.سپس آن نامه رامهرکردندوطبق آنچه درکتاب سلیم بن قیس آمده به دست ابی عبیده جراح سپردند تاآنرادرکعبه بکذارد. (راوی خطبه میگوید: ) بیشترمردم معنای صحیفه وماجرای آنرانفهمیدند.
21 . خطبه غدیر
22 . ونریدان نمن علی الذین استضعفوافی الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین (قصص: 6) .
امیرمومنان (صلوات اله علیه) می فرماید: پیامراسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود: عمرجهان به پایان نمی رسدمگرآنکه مردازنسل حسین امورامت مرادردست میگیردودنیاراپرازعدل میکندهمچنانکه پرازظلم شده است. (دلائل الامامة،240)
23 . سوره فتح آیه 10
24 . خطبه غدیر . بحارالانوار: ج21،ص387. امالی شیخ صدوق: ص57. بحارالانوار : ج28،ص90
25 . الغدیر: ج1،ص58، 271، 274.
منابع ومأخذ
1 – بحارالالنوار، ا لشیخ محمدبا قرا لمجلیسی (ره) ، ا لطبعۀ الاولی، ببیروت- لبنان
2- ترجمه تفسیرالمیزان، ازعلامه سید محمد حسین طباطبای ، مترجم: سیدباقرموسوی همدانی، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزۀعلمیه قم، چاپ بیست یکم.
3- ثواب الاعمال، شیخ صدوق، مترجم: علی اکبرغفاری، تاریخ انتشار زمستان 1366 چاپ دوم.
4– اصول کافی، ثقۀ الاسلام کلینی، دفترنشر، فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) ، تهران.
5 – الغدیر، علامه امینی، الناشر، دارالکتاب العربی، الطبعۀ الخامسۀ، بیروت – لبنان.
6 – مرآۀالعقول، علامه محمدتقی مجلیسی، الناشر، دارالکتب الاسلامیه، الطبعۀ الخامسۀ، تهران
7 – فروغ ابدیت، آیۀ الله جعفرصبحانی، ناشر، موئسسه بوستان کتاب، (دفترتبلیغات اسلامی حوزۀ علمیه قم) چاپ بیست ویکم، 1385
8– اثبات الهداۀ، شیخ المحدثین الحرالعاملی، منشورات، موئسسۀ الاعلمی للمطبوعات، الطبعۀ الاولی، بیروت- لبنان.
9 – احقاق الحق، الشیخ القاضی نورالله الشوشتری، الطبعۀ الاولی، مطبعۀ الخیام- قم.
10 – دلائل الامامۀ، محمد بن جریر بن رستم طبری، منشورات الراضی، الطبعۀ الثالثه، قم.
11 – امالی شیخ صدوق، للشیخ الجلیل الاقدم ابی جعفرمحمد بن علی بن الحسین ابن با بویه القمی، منشورات موئسسۀ الاعلمی للمطبوعات، الطبعۀ الخامسۀ،بیروت- لبنان.

**منبع : پایگاه راسخون**